

الگوی روابط امنیتی ایران و پاکستان در مقابله با پدیده تروریسم از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷

محمد محمودی بالاگفشه

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

علی بیژنی^۱

استادیار جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمد اخباری

دانشیار جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۱۲

چکیده

طی سال‌های اخیر حق همسایگی و حسن هم‌جواری از جانب کشور ایران در قبال پاکستان به طور کامل ادا شده و در این باره رساندن خط لوله صلح، فراهم کردن امکانات صادرات برق به این کشور، عدم تجاوز به خاک این کشور با وجود حملات تروریستی متعدد از آن سوی مرز را می‌توان مهم‌ترین شواهد این مدعا دانست. با این حال از آنجایی که امنیت مهم‌ترین پیش‌نیاز یا به عبارتی زیرساخت اصلی هرگونه توسعه روابط اقتصادی و فرهنگی با کشورهای دیگر است، نبود تضمین برای برقراری امنیت از سوی پاکستان در منطقه سبب شده است تا روابط دو کشور نیز تحت تأثیر قرار گیرد. سوال اصلی مقاله حاضر این است که روابط امنیتی ایران و پاکستان چه تأثیری بر مقابله با پدیده تروریسم از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷ داشته است؟ در این مقاله نگارندگان با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی، مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی کوشیده‌اند به تحلیل الگوی روابط امنیتی ایران و پاکستان در مقابله با پدیده تروریسم از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷ بپردازند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که الگوی روابط امنیتی ایران و پاکستان در مقابله با پدیده تروریسم بیش از هر چیز می‌بایست با توجه به مؤلفه‌های مافیای مواد مخدر، قرار گرفتن دو کشور در مجاورت افغانستان، وجود مرزهای طولانی مشترک، سرمایه‌گذاری و نفوذ عربستان در پاکستان، شکل‌گیری و فعالیت‌های گروهک‌های جندالله، انصارالله و جیش‌العدل در سیستان و بلوچستان، قرار گرفتن در کانون بحران خیز خاورمیانه، تحریکات گروه‌های تکفیری در نقاط کانونی بحران‌زا، تردهای غیرمجاز مرزی، اقدامات تروریستی گروه‌هایی مانند طالبان، لشکر جنگوی و سپاه صحابه در پاکستان و استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی بندرهای چابهار و گوادر شکل بگیرد.

واژگان کلیدی: روابط امنیتی، تروریسم، ایران، پاکستان.

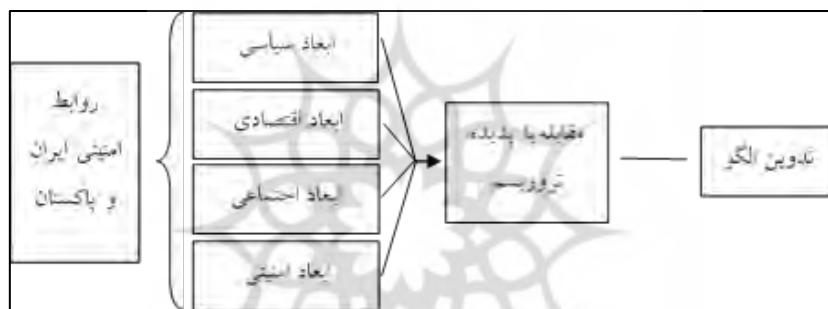
مقدمه

نامنی هنگامی بروز می‌کند که سلامت موجودیت و مایملک یا اعتبار و موقعیت و یا منافع ملی یک کشور از سوی کشور یا کشورهای دیگر تهدید شود. بدین ترتیب، امنیت و قدرت و کنش‌ها و واکنش‌های میان این دو در مطالعه قدرت و نقش‌آفرینی حکومت نقش مهمی دارد و در مباحث سیاسی، استراتژیک و ژئوپلیتیک جای ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد. در تعریف امنیت گفته‌اند، امنیت عبارت است از رهایی نسبی از تهدیدات زیان‌بخش تروریسم. (Morz, 198:105) یکی از موضوعات اصلی و درهم تنیده در حوزه امنیت ملی و فراملی در دنیای مدرن امروز است. این مظهر امروزی به علت ارتباط با فن‌آوری‌های جدید، به یک مسئله راهبردی مبدل گشته و توانسته با اهمیت دادن به افراد و گروه‌های کوچک آن‌ها را به یکی از بازیگران عرصه امنیتی جهان تبدیل نماید. به طوری که در یکی دو دهه اخیر، با بسط پدیده تروریسم، اجتماع انسانی مورد تهدید قرار گرفته است (Imani & Barzegar, 2019:91). آنچه در مباحث مربوط به تروریسم بیش از سایر موارد کمیاب و نادر است این است که کمتر به تروریسم به‌عنوان یک استراتژی پرداخته شده است (Liddellhart, 1987: 335). در واقع نباید تروریسم را یک رفتار بدون تفکر، بدون منطق و یا رفتاری نابهنجار اجتماعی دانست بلکه تروریسم را باید گونه‌ای استراتژی برای رسیدن به اهداف سیاسی خاص برشمرد، یک شیوه نظامی و مسلحانه با کنترل سیاسی و مدیریتی حسابگرانه که با استفاده از یک برنامه‌ریزی کاملاً دقیق به اقداماتی می‌پردازد که نهایتاً آنان را در رسیدن به اهدافشان یاری کند. بنابراین اولین گام در مبارزه با تروریسم شناخت استراتژی تروریسم است یعنی شناخت نحوه ارتباط اهداف و ابزار در پدیده‌ای که تروریسم می‌نامیم چنانچه تحرکات تروریستی را با یک برنامه نظامی مثل جنگ مقایسه کنیم متوجه تشابه زیاد و اساسی این دو پدیده با یکدیگر می‌شویم. در واقع جنگ نیز مثل تروریسم یک اقدام هدف محور است، جنگ نیز استفاده از ابزارهای موجود برای رسیدن به یک هدف سیاسی است همانطور که کلاوس ویتز اشاره می‌کند "جنگ ادامه سیاست است با ابزاری دیگر" (Masoomi & Saaei, 2012:165). مقابله با تروریسم مجموعه اقداماتی است که با رویکرد تدافعی یا پیشگیرانه برای تعدیل اثرات رفتارهای خشونت‌آمیز در عرصه سیاسی و اجتماعی است که با توسل بر نیروهای نظامی، اعمال اقتصادی بهره‌گیری از نیروهای بومی انجام می‌شود (Ghasemi, 2018:7). با توجه اینکه کشورهای ایران و پاکستان در معرض این تهدید قرار دارند، ضرورت مقابله با این پدیده، نگارندگان بر آن داشت تا در این مقاله درصدد طراحی الگوی روابط امنیتی ایران و پاکستان در مقابله با پدیده تروریسم از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷ برآیند. روش تحقیق در این مقاله از نوع مطالعات توصیفی، تحلیلی است و از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی انجام می‌پذیرد. اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای از طریق مراجعه به کتب، مجلات علمی و پژوهشی، مقالات معتبر گردآوری شده است. مطالعات کتابخانه‌ای، به عنوان محور اصلی و اساسی در زمینه دسترسی به اطلاعات و منابع مورد نظر قرار گرفته است. در تدوین مباحث نظری تحقیق، جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای با استفاده از روش فیش‌برداری صورت گرفته و در ادامه‌ی مراحل از پرسشنامه به جهت بهره‌گیری از نتایج آماری آن استفاده شده است. جامعه آماری در این پژوهش "اساتید و دانشجویان دکتری و ارشد جغرافیای سیاسی، متخصصین و کارشناسان حوزه پاکستان و کارشناسان نظامی و امنیتی شرق ایران" است که بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب و به صورت تصادفی مورد پرسش واقع شدند.

رویکرد نظری

امنیت به معنی ایمنی، آرامش و آسودگی و مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بر خلاف رضایت است. امنیت منوط به رهایی نسبی از تهدید و بهره‌گیری بهینه از فرصت‌هاست (yaghoori & Noori, 2013:49). امنیت امری استنباطی است که واقعیت یافتنش در محیط مستلزم اقدامات و برنامه‌ریزی‌های ویژه‌ای برای استفاده درست از قدرت است. این حکم فردی، در مورد ملت‌ها و کشورها نیز جاری است و به آسانی می‌توان آن را در ابعادی منطقه‌ای و جهانی مطرح کرد. امنیت برای یک کشور عبارت است از داشتن یا به دست آوردن اطمینان نسبت به سلامت "موجودیت و مایملک"، "اعتبار و موقعیت" و همه آنچه زیر چتر "منافع ملی" قرار می‌گیرد (Mojtahed Zadeh, 2012:13). یکی از عوامل مخل امنیت، پدیده تروریسم است. تروریسم عبارت است از استفاده و یا تهدید به اقدام برای نفوذ در دولت و یا یک سازمان دولتی بین‌المللی و یا برای ارباب عمومی یا اقلیت خاص که به منظور پیشبرد یک علت سیاسی، مذهبی، نژادی و عقیدتی طراحی شده باشد. فرهنگ آکسفورد در تعریف واژه تروریسم می‌نویسد: تروریسم عبارت است از: تلاش‌های عناصر دولتی و غیردولتی که سعی می‌کنند با استفاده از روش‌های خشونت‌آمیز، به اهداف سیاسی خود دست یابند. در این تعریف، ملاک اصلی در تعریف تروریسم استفاده از روش خشونت‌آمیز به منظور دستیابی به مقاصد سیاسی لحاظ شده است. از طرفی جنگ داخلی یا حمله نظامی کشورهای خارجی در مناطق جغرافیایی ناپایدار سیاسی در شرایطی که یک دولت از توانایی کافی برای ایجاد امنیت داخلی و یا نظم در مرزهای خویش برخوردار نیست دولت‌های مرکزی را ضعیف‌تر می‌کند و گروه‌های مخالف نظام حاکم با ایجاد اغتشاش و ناامنی سعی در اعمال خواسته‌های خویش به دولت را دارند. هنگامی که میان خواسته‌ای این گروه‌ها با منافع کشورهای خارجی پیوند برقرار شود، راه برای حضور و مداخله خارجی در این کشورها هموار می‌شود که یکی از بهترین بستر برای رشد جریان‌های تروریستی است (Ahmadi & Ranjbarr, 2016:2). مشخصه تروریسم در دوران مدرن کشیده شدن مردم به صحنه جنگ قدرت و استفاده از آن‌ها در اتخاذ راهبردهای مستقیم و غیرمستقیم برای کسب قدرت و امتیاز است. مستقیم به صورت حذف فیزیکی مهره‌های قدرت سیاسی و غیرمستقیم از طریق ارباب و تهدید مردم به ترور و بعضاً با انجام چند اقدام تروریستی معنادار مردم را وادار به اجرای خواسته‌های خویش می‌کنند (Bayboori et al, 2015:116). انگیزه اکثر گروه‌های تروریستی در جغرافیای خاورمیانه ارائه قرائتی متفاوت از دین یا همان اسلام سیاسی افراطی سنی بوده است و از آنجا که خاورمیانه مهد اسلام و دیگر ادیان توحیدی است؛ همان‌طور که استفن واینبرگ یادآور می‌شود: "دین بیشترین تأثیر را به عنوان یک امر معنایی و غیرمادی در کنش تروریستی دارد. زیرا به طور کلی جنبش‌های دینی به دلایل ایدئولوژیکی بیشتر از ابزار ترور و حذف دیگری استفاده می‌کنند (Yazdan panah & Jafari, 2018:223). شکل‌گیری تروریسم در منطقه خاورمیانه، یک جریان ضد بیداری اسلامی است که با تحریم تعصبات مذهبی و ایدئولوژیکی به شمار می‌رود (Barnett & Reynolds, 2009:4). با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، پاکستان در محافل سیاسی به عنوان حلقه دوم انقلاب اسلامی در منطقه مطرح گردید به‌رغم این که پاکستان به عنوان نخستین کشوری بود که حکومت جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت (Shafiei & Mahmoodi, 2012:84). در راستای اجرایی کردن رویکرد انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران درباره پدیده تروریسم در منطقه می‌توان به تلاش‌ها در زمینه برقراری اتحاد اسلامی، استکبارستیزی، مقابله با توسعه‌طلبی آمریکا در منطقه، حمایت از مسلمانان منطقه به ویژه مردم

لبنان، تلاش در جهت بازسازی عراق و برگرداندن ثبات به منطقه و همین‌طور به تلاش در جهت برطرف کردن دغدغه‌های امنیتی بوده است. در این باره می‌توان به جهت‌گیری‌های ایران نسبت به خیزش‌های مردمی منطقه، استکبارستیزی و مقابله با زیاده‌خواهی‌های آمریکا در منطقه، حمایت از مسلمانان لبنان و فلسطین، همچنین گفتارها و رفتارهای ایدئولوژیک ایران در عراق اشاره از مهم‌ترین مصادیق عینی مبارزه و مقابله انقلاب اسلامی با افرات‌گرای و تروریسم در حوزه "نبرد فکری" و "نبرد محیطی" در حوزه جغرافیایی قابل بررسی است. همه این مباحث در راستای گفتمان همیشگی و با ثبات انقلاب اسلامی و در تقابل با گفتمان آمریکایی هست که تمام منافع خود را در هرج و مرج منطقه جستجو می‌کند (Ghasemi, 2018:7). واکنش جمهوری اسلامی ایران نسبت به این تحرکات و مواضع، عموماً بر مبنای توجه به حسن هم‌جواری با همسایه شرقی و تلاش برای حل و فصل همکاری جویانه اقدامات تروریستی در مرز دو کشور بوده است. با چنین بینشی از منظر جمهوری اسلامی ایران، گروه‌های نظامی فعال در بلوچستان پاکستان با اتکا به حمایت خارجی و به‌ویژه ایالات متحده، بریتانیا، عربستان سعودی و گروه‌های نظامی همچون طالبان و القاعده، به عملیات تروریستی در مرزهای شرقی ایران دست زده‌اند (Ghorashi & Sadeghi Aval, 2018:215).



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق
Source: (Research findings)

روابط ایران و پاکستان

پاکستان کشوری در جنوب آسیا است و پایتخت آن اسلام‌آباد نام دارد. این کشور در جنوب مرز آبی هزار کیلومتری با دریای عمان دارد و از غرب با ایران، از شمال با افغانستان، از شرق با هندوستان و از شمال شرق با جمهوری خلق چین هم مرز است. ناحیه کشمیر مورد ادعای هندوستان و جمهوری اسلامی پاکستان است. هر دو کشور هند و جمهوری اسلامی پاکستان به‌طور جداگانه بخش‌هایی از این منطقه را اداره می‌کنند و این مناطق توسط خط کنترل از هم جدا شده‌اند. جمهوری فدرال پاکستان بر اساس برآورد سال ۲۰۱۸ با بیش از ۲۱۲ میلیون نفر جمعیت پنجمین کشور پرجمعیت دنیاست. این کشور جمهوری پارلمانی فدرال است و از ۴ ایالت و چهار قلمرو فدرالی تشکیل می‌شود. جمهوری فدرال پاکستان هم از نظر زبانی و قومی و هم از نظر جغرافیایی کشور متنوع است. اردو زبان‌های رسمی این کشور، اسلام‌آباد پایتخت و کراچی بزرگ‌ترین شهر جمهوری پاکستان است.

پهناوری پاکستان معادل ۹۴۰۸۰۳ کیلومتر مربع است که حدوداً معادل مجموع پهناوری کشورهای فرانسه و انگلستان است. نواحی شرق آن بر روی فلات هند و نواحی غربی و شمالی بر روی فلات ایران و سرزمین اوراسیا قرار گرفته است. ۱۰۴۶ کیلومتر (۶۵۰ مایل) مرز آبی با دریای عمان از طرف جنوب دارد و از سوی غرب با افغانستان ۵۲۳ کیلومتر (۳۲۵ مایل) و از طرف شمال شرق با چین ۲۹۱۲ کیلومتر (۱۸۰۹ مایل) از طرف شرق با هند و ۹۰۹ کیلومتر

(۵۶۵ مایل) از طرف جنوب غرب با ایران مرز دارد. پاکستان بر اساس آمار تخمینی (۲۰۱۷)، جمعیتی حدود ۲۰۰۰۰۰۰۰ تن دارد. پاکستان ششمین جمعیت بزرگ جهان را داراست که بیشتر از روسیه و کمتر از برزیل است.



نقشه شماره ۱: موقعیت کشور پاکستان

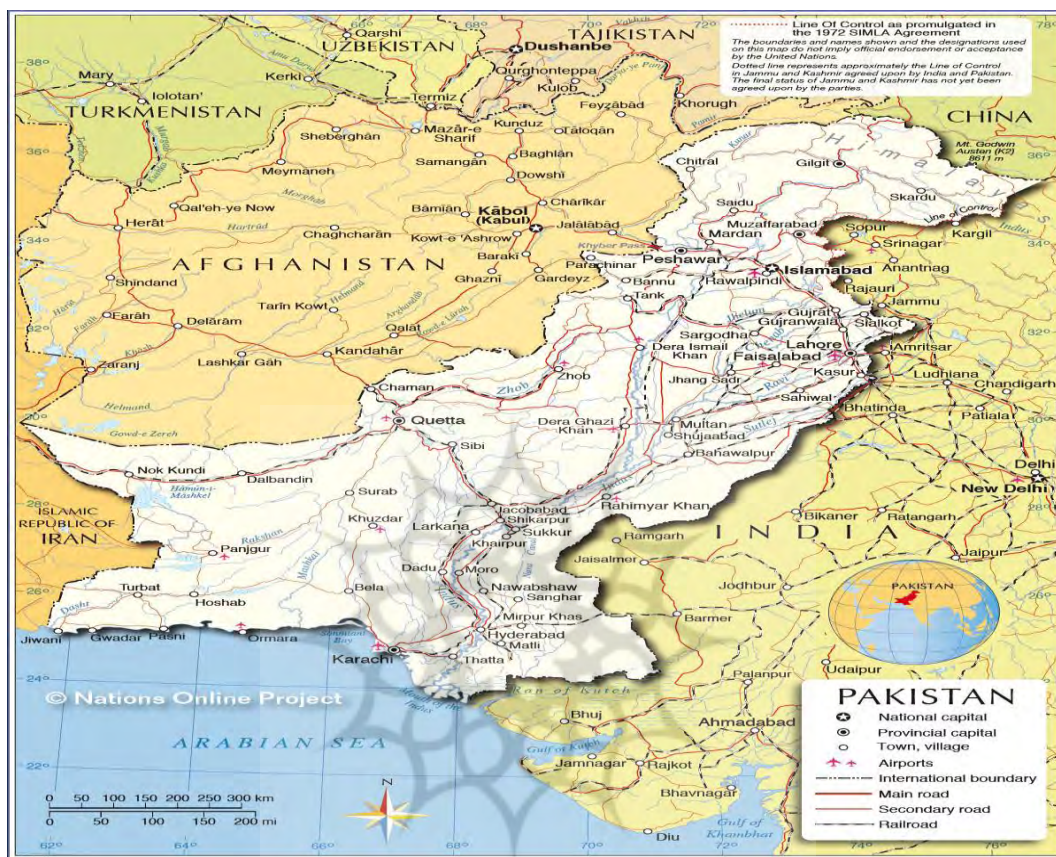
Source: (<https://geology.com>)

استان سیستان و بلوچستان تنها استان ایران است که با پاکستان هم مرز است. خط مرزی ایران-پاکستان نام سرحد و حاشیه بین دو کشور ایران و پاکستان به فاصله ۹۵۹ کیلومتر (۵۹۶ مایل) است که این دو کشور را از یکدیگر جدا می‌کند. این مرز از نقطه تقاطع مشترک ایران، پاکستان و افغانستان آغاز می‌شود و خطی نسبتاً مستقیم به سمت جنوب شرقی را دنبال می‌کند تا به چشمه‌های آب گرمی برسد. در انتها، مرز به خلیج گواتر در دریای عمان ختم می‌شود.

کشور پاکستان از حیث تهدیدات ناشی از معضل گروه‌های افراط‌گرای اسلامی برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت فراوانی دارد با توجه به شرایط موجود و نیز گستردگی مرز این دو کشور به طول ۹۸۷ کیلومتر، به نظر می‌رسد تهدیدات امنیتی از سوی پاکستان برای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در چندساله‌ی اخیر گسترش بیشتری یافته و در نتیجه، هزینه‌های جمهوری اسلامی ایران در خصوص کنترل و مهار این تهدیدات افزایش می‌یابد (Ghafoori & Davand, 2015:42). پاکستان در حال حاضر مهد تفکر طالبانی شناخته می‌شود و در محافل سیاسی به عنوان شریک آمریکا در نبرد با تروریسم مطرح است (Soleimani & Khaledian, 2012:158).

پاکستان با داشتن جمعیتی بیش از ۱۸۰ میلیون نفر از پرجمعیت‌ترین کشورهای اسلامی است. این کشور علاوه بر ایران با کشورهای افغانستان، چین و هند نیز هم مرز است. ایران در مرزهای شرقی خود ۹۰۹ کیلومتر مرز مشترک با پاکستان دارد. مرزهای ایران با پاکستان و افغانستان ناامن‌ترین مرزهای ایران در شرق کشور شدیداً متزلزل شده و هزینه‌های

هنگفت انسانی و اقتصادی متوجه کشور شده است. ناآرامی دو کشور به طور مستقیم با یکدیگر ارتباط داشته و عاملان آن ناآرامی‌ها نه تنها از داخل، بلکه از طرف نیروهای خارجی به ویژه نیروهای رقیب منطقه‌ای ایران مانند عربستان سعودی تغذیه و تقویت شده، موجب بی‌ثباتی خاورمیانه شده‌اند که امروز نتایج آن به وضوح نه تنها در اطراف ایران، بلکه در منطقه و جهان مشاهده می‌شود (Sadri ali babaloo et al,2014:14).



نقشه شماره ۲: مرزهای کشور پاکستان (Source: <https://www.nationsonline.org>)

روابط ایران و پاکستان سابقه‌ای طولانی دارد. این روابط برخاسته از دیدگاه‌ها و میراث مشترک فرهنگی و سیاسی دو کشور است، میراث مشترکی که طیف وسیعی از مسائل فرهنگی، زبانی و مذهبی را در بر می‌گیرد و تاریخچه‌ای طولانی دارد (Kahraze et al,2017:156).

پاکستان از زمان استقلال تاکنون یکی از بی‌ثبات‌ترین، بحران‌خیزترین کشورهای جهان بوده است، اما همواره از اهمیت ژئوپلیتیک و استراتژیک خاصی در دوران جنگ سرد و پس از جنگ سرد به ویژه دوران پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برخوردار بوده است و آمریکا نیز جایگاه برجسته‌ای به پاکستان در نبرد علیه تروریسم اختصاص داده است (Shafiei & Mahmoodi,2012:78). در مطالعه روابط دو کشور در طی سه دهه گذشته، پنج عامل ثبات و پایدار، ایدئولوژی و مذهب، قومیت‌گرایی، افراط‌گرایی دینی و تروریسم، تحولات افغانستان، نوع مناسبات هند و پاکستان که ترکیب با مؤلفه‌های متغیری چون نگرش نخبگان سیاسی حاکم بر دو کشور، تحولات منطقه آسیای جنوب غربی و نظام بین‌الملل، سرنوشت مناسبات دوجانبه ایران و پاکستان و به عبارت بهتر، کیفیت رقابت و همکاری دو کشور را رقم زده است (Mahkoei & Bavir,2016:218).



نقشه شماره ۳: مرزهای ایران و پاکستان (Source: <https://www.mapsofworld.com>)

ابعاد روابط امنیتی ایران و پاکستان

ابعاد سیاسی

ایران و پاکستان از دیرباز تمام تلاش‌های خود را برای ایجاد روابط فراملی اعم از اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به کار گرفتند تا با ایجاد جو همکاری حسنه میان دولت‌ها، از سطح تعارضات و مناقشات بین یکدیگر در شرایط خاص کاسته شود. یکی از مهم‌ترین عوامل سیاسی تأثیرگذار بر روابط دو کشور، گروه‌های تروریستی می‌باشند که در ادامه به معرفی این گروه‌ها می‌پردازیم:

گروه‌های تروریستی

جیش العدل: ایران در رابطه با گروه‌های تروریستی در مرزهای جنوب شرقی که هم مرز با پاکستان است، نگرانی جدی دارد. این گروه‌ها با استفاده از پوشش مرزی پاکستان و از داخل مناطق مرزی این کشور، علیه ایران عملیاتشان را انجام می‌دهند. گروه‌های تروریستی جنوب شرقی همچون جندالله و فرقه‌های منشعب از آن‌ها به نام جیش العدل و جیش النصر، در استان سیستان و بلوچستان ایران مستقرند که با استفاده از نوار مرز ایالت بلوچستان پاکستان، اقدامات خود را عملی می‌کنند. جیش العدل که یک گروهک جدایی طلب افراطی است، سال ۲۰۰۳ در استان سیستان و بلوچستان با اقدامات تروریستی علیه نیروهای نظامی و شهروندان غیرنظامی اعلام موجودیت کرد. سال ۲۰۱۰ عبدالمالک ریگی رهبر جیش العدل در یک عملیات اطلاعاتی نظامی دستگیر و در دادگاه به اعدام محکوم شد. هرچند پس از دستگیری و اعدام ریگی، محمد عباسی سفیر پاکستان در تهران مدعی آن شد که دستگیری ریگی بدون همکاری پاکستان میسر نبود (Bozorgzadeh & Noori saari, 2016:148).

در اواخر سال ۲۰۱۳، گزارشی منتشر و مدعی شد که جندالله از سال ۲۰۱۲ به جیش العدل تغییر نام داده است و رهبران اصلی اش صلاح الدین فاروقی و ملا عمر هستند. عمر برادر مولا بخش درخشان مؤسس سپاه رسول الله در دهه ۱۹۹۰ است که با گروه‌های نظامی ضد شیعی پاکستان متحد شد. البته جمهوری اسلامی ایران نیز همین قرائت را قبول

دارد و معتقد است برخی رهبرانی که جنادالله را ترک کردند، جیش العدل را شکل داده‌اند. جیش العدل در حملات زیادی بر ضد نیروهای امنیتی و مرزی ایران دست داشته است. در بهمن ۱۳۹۲، این گروه ۵ مرزبان ایران را به گروگان گرفت. دو ماه بعد، چهار نفر از گروگان‌ها آزاد شدند؛ اما یکی از آن‌ها کشته شد. در اینجا جیش العدل در توییتی ادعا کرد چهار نفر از آن‌ها را به خاطر خواست روحانیون برجسته سنی ایران آزاد کرده است. علاوه بر این، در ۳ آبان ۱۳۹۲، جیش العدل ۱۴ مرزبان ایرانی را به شهادت رساند و سه نفر دیگر را در منطقه مرزی سراوان زخمی کرد. در همان ماه، این گروه یک قاضی را در زاهدان شهید کرد. همچنین در آذر ۱۳۹۲ همین گروه مسئولیت شهادت سه تن از اعضای سپاه پاسداران را برعهده گرفت (Ghorashi & Sadeghi Aval, 2018:214).

سپاه صحابه: در بدو امر حضور جمهوری اسلامی ایران در همسایگی پاکستان و روابط حسنه بین دولت‌های دو کشور باعث شد از فشار بیشتر علیه شیعیان کاسته شود؛ اما از آنجا که شیعیان این کشور بیش از دیگر گروه‌ها از وقوع انقلاب در ایران خشنود و بهره‌مند شدند، در نتیجه این تفکر که انقلاب مذکور مختص شیعیان بوده و هدف بعد آن پاکستان است، سران سیاسی و رهبران گروه‌های مذهبی اهل سنت را به انقلاب اسلامی ایران بدبین نمود و واکنش‌های منفی آن‌ها در قبال ایران و سیاست‌های این کشور را در پی داشت و به تدریج فشارها علیه شیعیان شدت یافت. نزدیکی شیعیان پاکستان به ایران مخالفت و مقابله گروه‌های افراطی سنی مذهب را در پی داشت. گروه‌هایی در درون جامعه اهل سنت پاکستان اعلام وجود نمودند که هدف اصلی خود را مقابله با گروه‌هایی عنوان نمودند که به نوعی خواستار وقوع انقلاب اسلامی به سبک ایران در پاکستان بودند. یکی از این گروه‌ها سپاه صحابه بود که در سپتامبر ۱۹۸۵ م به پیشگامی یکی از چهره‌های جمعیت علمای اسلام و تحت تأثیر اندیشه‌های وهابی شکل گرفت و به سرعت گسترش یافت (Kamran et al, 2013:83). ظهور نیروهای ضد شیعی از جمله سپاه صحابه و اهل حدیث، به دلیل مقابله با نفوذ ایران در منطقه به وجود آمد (Javadi arjmand, 2012:65). باورها و عقاید این گروه در بستر باورهای سلفی رشد کرده است و جزء پیروان مکتب دیوبندی به شمار می‌رود. این گروه از افراطی‌ترین گروه‌های مذهبی این کشور است و همه یا عمده فعالیت‌های آن بر محوریت ضدیت با شیعه است (Masood nia et al, 2017:107). این گروه تاکنون فعالیت‌های خشونت‌بار زیادی مانند حمله به عزاداری‌ها، مراکز فرهنگی، ترور افراد و شخصیت‌های مهم شیعه انجام داده است. در ابتدا حملات تروریستی این حزب، بیشتر متوجه اعضای نهضت جعفری بود؛ اما در سال‌های اخیر، سیاستمداران، حقوقدانان، بازرگانان، کارمندان و مدیران دولتی شیعه مذهب را نیز آماج حملات تروریستی خود قرار داده است. از جمله اقدامات سپاه صحابه علیه ایران، ترور صادق گنجی مسئول خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در لاهور و محمدعلی رحیمی سرپرست خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در مولتان است (Mohammadi & Ahmadi, 2017:312).

طالبان: طالبان پاکستان یکی از پیچیده‌ترین نیروهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی در پاکستان و حتی جنوب آسیا به شمار می‌رود که امنیت داخلی پاکستان، امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی را تهدید می‌کند (Salesi, 2010:1). طالبان پاکستان با توجه به اقدامات و جهت‌گیری‌های تروریستی و بنیادگرایانه؛ علاوه بر اینکه باعث چالش‌های داخلی و امنیتی برای پاکستان می‌شوند به همان میزان منطقه را با چالش‌ها و تهدیدات بزرگ امنیتی روبه‌رو خواهند کرد. با توجه به با توجه به پیوند تشکیلاتی میان این گروه و القاعده، آن‌ها با حمایت‌ها و کمک‌های خود به القاعده باعث رشد

اقدامات تروریستی و خشونت آن‌ها در مناطق مختلف و رشد بنیادگرایی افراطی خواهند شد. با توجه به هم‌مرز بودن ایران و پاکستان، در چند سال اخیر مناطق خودمختار قبایلی پاکستان پناهگاه و محل امن آموزش و تردد گروه‌های تروریستی شده است که در نقاط مرزی علیه ایران فعالیت می‌کنند. این گروه‌ها که اکثر در مناطق مرزهای شرقی فعالیت می‌کنند؛ در مناطق قبایلی پاکستان و در میان گروه‌های عضو طالبان آموزش می‌بینند و از افکار بنیادگرایانه آن‌ها تأثیر می‌پذیرند و برای انجام اقدامات تروریستی در ایران برنامه‌ریزی می‌کنند (Ahmadi & Beidollah khani, 2012:33).

ابعاد اقتصادی

با توجه به وضعیت کلی دو کشور در منطقه، روابط اقتصادی ایران و پاکستان را باید در حالت ژئواکونومیک و در سطح ژئواستراتژیک اقتصادی ارزیابی نمود. گرچه این همسایه ضعیف و بی‌ثبات ایران، ددرس‌های فراوانی برای کشور ایجاد نموده است، اما عدم خودبسندگی آن در تأمین بسیاری از کالاها، اقلام اساسی و حتی بعضاً حیاتی، فرصت مغتنمی را به لحاظ اقتصادی پیش روی ایران در تأمین نیازمندی‌های این کشور ایجاد نموده است (Simbar et al, 2016:84). پاکستان به علت نقص فنی و ژئوپلیتیکی و فقدان عمق استراتژیک و همچنین به دلیل گنجانده نشدن در محیط امنیتی خاورمیانه، اوراسیا و جنوب شرق آسیا (به علت انسداد تصنعی توسط کشور هند) در کنار تلاش برای ائتلاف با غرب سعی در حضور نهادهای منطقه‌ای پیرامونی خود دارد (Mohammadi & Ahmadi, 2016:149).

رابطه معنادار و مستقیمی بین میزان درآمد حاصل از تجارت مواد مخدر و فعالیت‌های گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی وجود دارد، چرا که این گروه‌ها از مواد مخدر و سود ناشی از آن زندگی می‌کنند. به طوری که یکی از منابع مالی طالبان، قاچاق مواد مخدر و ارتباط با شبکه تجاری مافیای مواد مخدر است. رهبران طالبان شرعاً تولید مواد مخدر و ارسال آن به یکی کشورهایی مانند ایران را حلال و مباح اعلام کرده‌اند (Dehshiri & Moshki, 2017:118).

ابعاد اجتماعی

ثبات یا بی‌ثباتی منطقه بلوچستان برای پاکستان و جمهوری اسلامی ایران بسیار حائز اهمیت است. از آن جا که قوم بلوچ پس از جدایی پاکستان از هندوستان، استقلال سیاسی این کشور را به رسمیت نشناخت، همواره مورد توجه سیاستمداران بوده است. اقدامات رهبران فئودال، مثل سردارها و نواب‌ها جهت احیای حقوق اجتماعی و اقتصادی مردم بلوچ موجب اتخاذ سیاست امنیتی کردن بلوچ و بلوچستان توسط حکومت پاکستان گردیده است (Kabraji, 2012: 9). زیرا شدت گرفتن ملی‌گرایی بلوچی نه تنها یکپارچگی خاک پاکستان و اقتصاد آن را تهدید می‌کند، بلکه بر سیاست‌های خارجی پاکستان و نقش آن در منطقه نیز تأثیرات منفی می‌گذارد. پنجابی‌ها که در پاکستان سیاست، بروکراسی و مهم‌ترین پست‌های نظامی را در اختیار دارند. با اظهار این که اقدامات جدایی طلبانه بلوچ‌ها به ضرر تمامی گروه‌های ملی دیگر (پشتون‌ها، سندی‌ها، هزاره‌ها و غیره) نیز است، سعی در مشروعیت بخشیدن به اعمال خود در برابر بلوچ‌ها دارند. در راستای این سیاست‌ها بلوچ‌ها به ندرت در پارلمان پاکستان دیده می‌شوند و به همین جهت تلاشی برای افزایش حضور بلوچ‌ها در پارلمان فدرال و از همه مهم‌تر در ارتش صورت نگرفته است (Kahrazeh et al, 2017:173). گروه‌های دینی می‌توانند به عنوان یکی از دلایل اعمال امنیت اجتماعی محسوب شوند. در واقع این گروه‌ها به خاطر این که هویت دینی‌شان همواره متفاوت است، اصطلاح جدایی طلب "آن‌ها-ما" یا "خود و دیگری" را به راحتی استفاده می‌کنند. در صورت وقوع هرگونه درگیری مذهبی در جامعه دین به عنوان جداکننده پیروان خودی از

غیر خودی، با هدایتگری پیروان خود و عرض اندام در برابر دین غالب و رسمی جامعه باعث امنیتی شدن موضوع در جامعه می‌شود... از جمله این گروه‌ها، گروه‌های طالبان و شاخه‌های مختلف آن است. به‌طور کلی، آینده ایالت بلوچستان پاکستان، بر استان سیستان و بلوچستان تأثیر خواهد گذاشت. هرچه ضعف حکومت فدرال پاکستان بیشتر شود و همگرایی میان بلوچ‌ها و دولت پاکستان سست‌تر شود، نیروی گریز از مرکز بلوچ‌های استان سیستان و بلوچستان افزایش خواهد داد؛ و از سوی دیگر استقرار و تثبیت یک نظام بنیادگرای حنفی در کشورهای پاکستان و افغانستان تأثیر ویران‌کننده‌ای دارد و واگرایی قوم بلوچ را با حکومت افزایش می‌دهد (Hafez nia & Kaviani, 2006:34). مورد دیگر قاچاق است. قاچاق یک اقتصاد موازی در بلوچستان و یک تجارت مغلوب نشدنی است که دهه‌هاست با حمایت برخی از شخصیت‌های مهم حکومتی و قومی در ایالت بلوچستان صورت می‌گیرد. قاچاق انسان، اسلحه، مواد مخدر و تجارت کالای قاچاق در مرزهای ایران- پاکستان و پاکستان- افغانستان رواج دارد. در این منطقه، جاده‌های اصلی و نیز جاده‌های فرعی زیادی در امتداد مرز وجود دارد. دورافتادگی این نواحی و عدم توانایی دولت برای تأمین حکمرانی مؤثر به اشتغال جمعیت محلی به چنین فعالیت‌های غیرقانونی کمک کرده است (Kahrazeh et al, 2017:176). تأثیر این نوع فعالیت‌ها بر سطح اجتماعی جمهوری اسلامی ایران بسیار گسترده است. این پیامدها می‌تواند به شکل چشمگیری بر میزان رشد بزهکاری اجتماعی، افزایش فعالیت‌های غیرقانونی، کاهش رشد اقتصادی مثبت، افزایش نرخ اعتیاد و نیز کاهش احساس امنیت شهروندان، ناامنی اجتماعی، کاهش احساس تعلق به جامعه منجر می‌شود (Yavari bafghi, 2010:598).

ابعاد امنیتی

مرز ایران و پاکستان همواره با چالش‌هایی روبه‌رو بوده است. گرچه این چالش‌ها هرگز موجب رویارویی و درگیری مستقیم دو طرف نشده، اما در بسیاری از مواقع بر روابط میان دو کشور سایه سنگینی انداخته است. با این وجود؛ ایران و پاکستان همواره بر حسن هم‌جواری تأکید داشته و از تشدید تنش ناشی از تهدیدهای مرزی دوری جست‌ه‌اند. گواه این ادعا، موافقت‌نامه‌ها و معاهده‌نامه‌های متعددی است که دو طرف جهت صلح و آرامش مرزی منعقد نموده‌اند. با توجه به موقعیت، فضای پیرامونی و فضای داخلی، تهدیدهای مرزی در منطقه جنوب شرق متفاوت است و می‌تواند شامل موارد زیر باشد. ت؛ تردد اشرار و گروه‌های مسلح، ورود تفکرات سلفی، سیاسی شدن مطالبات قومی و رشد جریان اقلیت گرای، ورود انواع کالاهای قاچاق و... (Akhbari & Nami, 2009:41)

این تهدیدها کارکردهای مرزی را به مخاطره انداخته‌اند که نمونه‌های آن عبارت‌اند از:

۱- تهدیدهای امنیتی که نتیجه آن به مخاطره افتادن امنیت انسانی، امنیت مرزی و در نهایت تضعیف کارکرد امنیتی است.
 ۲- تهدیدهای سیاسی؛ ورود عقاید سلفی متضاد با مبانی اعتقادی نظام سیاسی حاکم، نمونه‌های آن و نتیجه‌اش تضعیف کارکرد سیاسی است.

۳- تهدیدهای اقتصادی؛ ورود انواع کالاهای قاچاق که نتیجه آن ضربه زدن به تولید داخلی و پیامدش تضعیف کارکرد اقتصادی است و... (Simbar et al, 2016:20). یکی از شاخص‌ها و مختصات محیط امنیت خارجی جمهوری اسلامی ایران، افزایش گروه‌های تروریستی و منازعات مسلحانه فرقه‌ای است، به طوری که برخی گروه‌های فرقه‌ای با سازمان‌دهی تشکل‌های سیاسی نظامی سلفی و بهره‌گیری از تفکر جهادی، به صورت مستقیم در معادلات امنیتی منطقه

وارد شده‌اند، که با بهره‌گیری از شیوه‌ها و ابزارهای مبارزاتی غیرقانونی؛ مانند عملیات انتحاری، بمب‌گذاری، گروگان‌گیری، قتل، سربردن و پخش آن در اینترنت و حتی در برخی مواقع با مدیریت برخی اقدام‌های تروریستی مانند سازمان‌دهی حوادث یازده سپتامبر، باعث شکل‌گیری گویش‌های جدیدی در نظام بین‌الملل؛ مانند گفتمان جنگ با تروریسم، شده‌اند که این موضوع زمینه حضور نظامی امنیتی قدرت‌های برون سیستمی در مجاورت سرزمینی جمهوری اسلامی ایران را به وجود آورده است (Hejazi & Beidollah khani, 2017:155).

یافته‌های میدانی

برای بررسی فرضیه تحقیق که عبارت است از: "روابط امنیتی ایران و پاکستان می‌تواند بر مقابله با پدیده تروریسم از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷ تأثیر داشته باشد" تعداد ۳۰ گویه در قالب پرسشنامه طرح و بین جامعه آماری توزیع گردید. آمار سرجمع داده‌های مربوط به نظرات پاسخگویان و رتبه‌بندی گویه‌های پرسشنامه که با استفاده از نرم‌افزار SPSS استخراج شده، در جدول زیر به نمایش درآمده است:

جدول ۱: آمار سرجمع داده‌های مربوط به نظرات پاسخگویان و رتبه‌بندی گویه‌های پرسشنامه

ردیف	گویه	درصد نظرات پاسخگویان				
		بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
۱	ماقایی مواد مخدر	۴۵.۸	۴۰.۶	۹.۴	۲.۱	۱۹.۲۰
۲	قرار گرفتن دو کشور در مجاورت افغانستان	۴۳.۸	۴۳.۸	۷.۲	۵.۲	۱۹.۰۸
۳	وجود مرزهای طولانی مشترک	۴۳.۸	۴۰.۶	۹.۴	۱	۱۸.۵۷
۴	سرمایه‌گذاری و نفوذ عربستان در پاکستان	۴۴.۸	۳۴.۴	۱۴.۶	۵.۲	۱۷.۹۱
۵	شکل‌گیری و فعالیت‌های گروهک‌های جهادالله، انصار الله و جیش العدل در سیستان و بلوچستان	۳۷.۵	۳۹.۶	۱۹.۸	۲.۱	۱۷.۵۳
۶	قرار گرفتن در کانون بحران خیز خاورمیانه	۳۵.۴	۴۲.۷	۱۶.۷	۴.۲	۱۷.۲۳
۷	تحریکات گروه‌های تکفیری در نقاط کانونی بحران‌زا	۳۴.۴	۴۲.۷	۱۹.۸	۳.۱	۱۷.۰۸
۸	تردهای غیرمجاز مرزی	۳۴.۴	۴۰.۶	۲۰.۸	۳.۱	۱۶.۹۳
۹	اقدامات تروریستی گروه‌هایی مانند طالبان، لشکر جنگوی و سپاه صحابه در پاکستان	۳۴.۴	۴۰.۶	۲۱.۹	۲.۱	۱۶.۹۱
۱۰	استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی بندرهای چابهار و گوادر	۳۶.۵	۳۵.۴	۲۶	۲.۱	۱۶.۷۷
۱۱	رفع محرومیت و ایجاد اشتغال در منطقه مرزی	۳۸.۵	۳۵	۱۵.۶	۷.۳	۱۶.۷۶
۱۲	نقش کشورهای فرامنطقه‌ای	۳۳.۳	۳۶.۵	۲۲.۹	۵.۲	۱۶.۳۳
۱۳	فاچاق (سوخت، کالا، سلاح و انسان)	۳۳.۳	۳۸.۵	۲۱.۹	۶.۳	۱۶.۲۸
۱۴	ضعف اقتصاد محلی	۳۳.۳	۳۶.۵	۲۱.۹	۵.۲	۱۵.۹۹
۱۵	تأسیس مدارس دینی وابسته به فرقه دیوبندی و وهابیت در پاکستان	۳۰.۲	۴۱.۷	۱۹.۸	۶.۳	۱۵.۸۴
۱۶	مسئله‌ی تحدید امنیت مرزی میان دو کشور	۲۲.۹	۵۸.۳	۱۱.۵	۶.۳	۱۵.۶۶
۱۷	مطالبات هویتی و قومی	۲۷.۱	۴۵.۸	۱۷.۷	۹.۴	۱۵.۶۶
۱۸	دوری از مرکز و در حاشیه قرار داشتن استان سیستان و بلوچستان	۲۷.۱	۳۹.۶	۲۲.۹	۸.۳	۱۵.۱۰
۱۹	ضعف حکومت فدرال پاکستان و واگرایی میان بلوچ‌ها و دولت پاکستان	۲۱.۹	۴۴.۸	۲۹.۲	۲.۱	۱۴.۷۳
۲۰	تحولات بلوچستان در دو سوی مرز	۲۲.۹	۴۳.۸	۲۶	۵.۲	۱۴.۷۳
۲۱	انفکاد پیمان‌های امنیتی بین دو کشور	۲۶	۴۰.۶	۲۴	۹.۴	۱۴.۵۸
۲۲	نادیده گرفتن امنیت گروه‌های اقلیت قومی	۲۱.۹	۴۱.۷	۳۱.۳	۴.۲	۱۴.۲۱
۲۳	رویکرد منفعل پاکستان نسبت به نامنی مرزهای مشترک	۱۹.۸	۴۶.۹	۲۱.۹	۸.۳	۱۳.۹۲
۲۴	پروژه‌های مشترک انتقال انرژی	۲۷.۱	۳۴.۴	۲۲.۹	۱۳.۵	۱۳.۷۸
۲۵	وجود فضای طبیعی مستعد برای توسعه دریایی	۲۹.۲	۲۶	۲۸.۱	۷.۳	۱۳.۵۶
۲۶	جابگاه شیعیان در ساختار سیاسی دو کشور	۲۰.۸	۴۰.۶	۲۹.۲	۵.۲	۱۳.۴۴
۲۷	حساسیت پاکستان به دخالت در امور داخلی پیرامون ابعاد امنیتی	۲۰.۸	۳۴.۴	۳۱.۳	۱۱.۵	۱۲.۷۲
۲۸	وقایع پس از حادثه ۱۱ سپتامبر	۱۵.۶	۳۷.۵	۳۱.۳	۱۰.۴	۱۲.۲۶
۲۹	تشکیل نیروی واکنش سریع مشترک بین ایران و پاکستان	۱۷.۷	۳۷.۵	۲۸.۱	۱۳.۵	۱۲.۱۵
۳۰	تحولات خاورمیانه (بهار عربی-سیداری اسلامی)	۱۳.۵	۲۴	۴۱.۷	۱۵.۶	۱۰.۰۷

Source: (Research findings)

اکنون به ارزیابی داده‌های پرسشنامه با بهره‌گیری از ضریب همبستگی پیرسون می‌پردازیم: فرض صفر (H0): روابط امنیتی ایران و پاکستان بر مقابله با پدیده تروریسم از سال ۲۰۰۱ تا تأثیر ندارد. فرض صفر (H1): روابط امنیتی ایران و پاکستان بر مقابله با پدیده تروریسم از سال ۲۰۰۱ تا تأثیر دارد. با توجه به پرسش نامه حدود ۹۰ درصد پرسش شونده‌گان به رابطه مستقیم میان روابط امنیتی ایران و پاکستان بر مقابله با پدیده تروریسم اذعان داشتند. نتایج آماری حاصل از نرم افزار SPSS به شرح زیر است:

جدول ۲: نتایج اندازه‌گیری ضریب همبستگی پیرسون حاصل از نرم افزار SPSS

ضریب همبستگی	روابط امنیتی ایران و پاکستان	مقابله با پدیده تروریسم	سطح معناداری
		0,784	0,024

Source: (Research findings)

مقدار ضریب همبستگی برابر ۰,۷۸۴ است. از آنجا که این عدد بین ۰ و ۱+ نشان‌دهنده رابطه مستقیم بین متغیرها است. از این رو ضریب همبستگی با سطح معناداری ۰,۰۲۴ که کمتر از ۰,۰۵ است فرض فوق یعنی روابط امنیتی ایران و پاکستان بر مقابله با پدیده تروریسم از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷ تأثیر دارد را اثبات می‌کند.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

پاکستان یکی از همسایگان جنوب شرقی ایران و هم مرز با استان پهناور سیستان و بلوچستان است. هر چند این استان از طریق مرزهای آبی و خاکی علاوه بر پاکستان با دو کشور افغانستان و عمان نیز هم مرز است اما بیشترین طول نوار مرزی این استان در هم‌جواری با کشور پاکستان قرار دارد بنابراین به دلیل گستردگی مرز مشترک همسایگی با این کشور می‌تواند برای ایران بسیار مهم و تأثیرگذار باشد. این شرایط در حالی است که در چهل سال گذشته حق همسایگی و حسن هم‌جواری از جانب کشور ایران در قبال پاکستان به طور کامل ادا شده و در این باره رساندن خط لوله صلح، فراهم کردن امکانات صادرات برق به این کشور، عدم تجاوز به خاک این کشور با وجود حملات تروریستی متعدد از آن سوی مرز و استقبال بی‌نظیر از زائران پاکستانی اربعین را می‌توان مهم‌ترین شواهد بر این مدعا دانست. توسعه روابط اقتصادی با پاکستان نیز یکی دیگر از سیاست‌های اصلی ایران است که در طول سال‌های گذشته این نیت از طریق افزایش تعداد بازارچه‌های مرزی و تقویت زمینه صادرات به این کشور به اثبات رسیده است. همچنین قربت و نزدیکی فرهنگی و مذهبی مردم ایران و پاکستان سبب شده تا مراودات فرهنگی مردم دو سوی مرز بدون در نظر گرفتن مرزبندی‌های سیاسی همچنان ادامه داشته باشد و زمینه صلح و دوستی هر چه بیشتر را فراهم کند. با این حال از آنجایی که امنیت مهم‌ترین پیش نیاز یا به عبارتی زیرساخت اصلی هرگونه توسعه روابط اقتصادی و فرهنگی با کشورهای دیگر است، نبود آن در مرزهای ایران با پاکستان یا به عبارت بهتر، نبود تضمین برای برقراری امنیت از سوی پاکستان در این منطقه سبب شده است تا دیگر روابط این دو کشور نیز تحت تأثیر قرار گیرد و به مقصد و مقصود اصلی خود نرسد.

دو فاکتور قومیت‌گرایی و افراط‌گرایی دینی از مهم‌ترین عوامل ناامنی در مرز ایران و پاکستان به شمار می‌روند زیرا رهبران و پیروان قومیت‌ها و فرقه‌ها برای تحقق اهداف موردنظر خود شیوه‌های مختلفی را بر می‌گزینند که استفاده از ابزار تروریسم، یکی از رایج‌ترین آن‌ها است. بار سنگین انسانی و مالی که اقدامات تروریستی برای دولت‌ها در پی دارد، اهرمی برای اعمال فشار این گروه‌ها به شمار می‌رود تا دولت‌ها را مجبور به پذیرش خواسته‌های خود نمایند؛

بنابراین تروریسم و ناامنی مرز ایران و پاکستان به ذات خود تنها معلول است و دلایل اصلی بروز آن در منطقه، به‌ویژه در دو کشور پاکستان را باید در دو عامل قومیت‌گرایی و افراط‌گرایی دینی دانست.

موازنه قابل ملاحظه‌ای میان دو متغیر قومیت‌گرایی و افراط‌گرایی برقرار است (هرچند نمی‌توان به طور کامل به همه مصادیق تعمیم داد)، بدین ترتیب که عموماً میان مرزهای اعتقادی و قومی نوعی هم‌پوشانی و همبستگی وجود دارد که این امر باعث تقویت بیش از پیش این جریانات می‌شود. به عنوان مثال، جریان طالبان با برخورداری از خاستگاه قومی پشتون و اندیشه‌های بنیادگرایانه دینی، هر دو مؤلفه را هم‌زمان در اختیار خود دارد و برای پیشبرد اهداف مورد نظر خود از ابزار تروریسم به نحو مؤثری بهره می‌جوید؛ اما برآیند این اقدامات تروریستی، با خاستگاه قومیت‌گرایانه و بنیادگرایانه دینی، پیامدهای قابل ملاحظه‌ای را بر مناسبات ایران و پاکستان در طیف گسترده‌ای از همگرایی و واگرایی برجای گذاشته است که متأسفانه کفه واگرایی به مراتب سنگین‌تر از همگرایی است.

تأثیر عامل نخست را باید در بافت قومی و قبیله‌ای حاکم بر منطقه به‌ویژه در دو کشور افغانستان و پاکستان و پیوندهای آنان با بخش خاوری ایران، به‌ویژه در استان سیستان و بلوچستان دانست که بر اساس پیوند میان پشتون‌های پاکستان و افغانستان و بلوچ‌های ایران و پاکستان، شکل گرفته است. هرچند چالش قومی میان ایران و پاکستان هرگز به میزان و شدت چالش قومی افغانستان و پاکستان نبوده است اما این عامل همواره در مناسبات دو کشور تأثیرگذار بوده است. در سطح سیاست کلان، هر دو کشور همواره با تحركات تجزیه‌طلبانه قومی مخالف بوده‌اند و این امر از زمان شکل‌گیری پاکستان، همواره عنصر ثابت و یکی از مهم‌ترین دلایل همکاری دو کشور به شمار می‌رود که نمونه بارز آن را می‌توان در کمک شاه سابق ایران به دولت پاکستان، در سرکوب جبهه آزادی‌بخش بلوچستان در سال ۱۹۷۳ دانست. در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز علی‌رغم وجود اختلاف‌نظرهای متعدد میان دو کشور، مقابله با تهدید تجزیه‌طلبی قومی، همواره به عنوان بخش مهمی از همکاری‌های امنیتی ایران و پاکستان به شمار رفته است.

اما روی دیگر سکه، بروز اختلافات و سوء تفاهمات مختلف بین دو کشور در اثر پویای قومی به‌ویژه در منطقه بلوچستان ایران است که همواره انگشت اتهام ایران را متوجه دولت پاکستان و نهادهای اطلاعاتی این کشور در پشتیبانی مادی و معنوی این جریانات ساخته است. در سال‌های اخیر، فعالیت گروه موسوم به جندالله در مناطق شرقی ایران به‌ویژه استان سیستان و بلوچستان، یکی از مهم‌ترین موارد اختلاف‌نظر بین ایران و پاکستان را پدید آورد. این گروه بر پایه مطالبات قوم بلوچ، موجب شکل‌گیری پویای جدی قومیت‌گرایی و تجزیه‌طلبی در جنوب شرقی ایران شده است و برای پیشبرد اهداف خود از افراط‌گرایی دینی (برداشت افراطی از مذهب اهل تسنن مبتنی بر آموزه‌های سلفی وهابی) و نیز اقدامات تروریستی (سه ضلعی که در ابتدای این بخش اشاره شده است)، به نحو مؤثری بهره گرفته است. گروگان‌گیری پرسنل مرزبانی، حمله به ستون‌های گشتی نیروی انتظامی ایران، حمله به مسافران در محور تاسوکی - زابل و به شهادت رساندن ۲۲ شهروند ایرانی و گروگان‌گیری ۷ تن دیگر، از مهم‌ترین اقدامات این گروه تروریستی به شمار می‌رود. نقطه اوج اقدامات این گروه را باید به شهادت رساندن بیش از ده‌ها نفر از افسران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران از جمله سردار شوشتری، معاون نیروی زمینی این نهاد مهم نظامی ایران در اکتبر ۲۰۱۰ دانست که تأثیر بسیار منفی بر روابط ایران و پاکستان برجای گذاشت. بعد از وقوع این حادثه تروریستی، بلافاصله نوک پیکان موضع‌گیری رسانه‌ها و مقامات ایران، متوجه دولت پاکستان شد و در شدیدترین موضع‌گیری،

محمود احمدی‌نژاد، رسماً مقامات پاکستانی را متهم به دخالت در این حمله تروریستی نمود و خواهان بازداشت و استرداد عبدالمالک ریگی، رهبر گروه تروریستی جندالله به ایران شد. مصطفی محمد نجار، وزیر کشور ایران نیز دولت پاکستان را متهم به حمایت مالی از گروه جندالله نمود. در مقابل دولت پاکستان با رد اتهامات واردشده، کوشش نمود فضای ملتهب پیش آمده را آرام کند. اسلام آباد در گام نخست، این اقدام را محکوم کرد و ۱۱ افسر امنیتی ایران را که به صورت غیرقانونی وارد خاک پاکستان شده بودند، آزاد ساخت و آصف علی زرداری، رئیس‌جمهور پاکستان، در دیدار با مصطفی نجار، عاملین این حمله را دشمنان دو کشور خواند که قصد ایجاد اختلال در مناسبات ایران و پاکستان دارند. دستگیری عبدالمالک ریگی توسط عوامل اطلاعاتی ایران در فوریه ۲۰۱۱ و سپس اعدام وی تا حدودی توانست این فضا را تعدیل نماید. این مسئله نشان داد که نفوذ عوامل افراطی در جنبش‌های قومی بلوچ می‌تواند به سیاسی و امنیتی شدن هویت‌های قومی مذهبی، تباری گروه‌های تروریستی، شبکه‌های جنایی سازمان یافته، احزاب ناسیونالیستی افراطی، افراط‌گرایی دینی و غیره بینجامد و به تدریج جبهه‌های سیاسی - نظامی برای جمهوری اسلامی ایران در استان‌های مجاور شرقی باز کند. تأثیر این اقدامات بر روابط دو جانبه ایران و پاکستان کاملاً محسوس بود. فشارهای نمایندگان مجلس شورای اسلامی به دولت برای کاهش تعاملات با پاکستان در پی عملیات خرابکارانه گروه ریگی در سیستان و بلوچستان، بروز تردیدهای مکرر در مقامات ایرانی برای امضاء قرارداد تأسیس خط لوله انتقال گاز از ایران به پاکستان و حملات رسانه‌ای تند در مطبوعات ایران علیه مقامات پاکستانی به دلیل عدم مقابله آن‌ها با افراط‌گرایان که علیه شیعیان اقدام می‌کنند، نمونه‌هایی از مصادیق تأثیر منفی گسترش افراط‌گرایی در پاکستان بر روابط دو کشور است. اما عامل دوم جریان نیرومند و مؤثر افراط‌گرایی دینی است. اساساً هر اندیشه‌ای از جمله اندیشه‌های بنیادگرایانه، پدیده‌ای آنی و ناگهانی نیست که بی‌زمینه و انگیزه، ناگاه به گونه جامع و مانع در نقطه‌ای سربرآورد و سپس به سرعت گسترش یابد و بر محیط پیرامونش اثر گذارد. از این رو افراط‌گرایی دینی که در طی چند دهه اخیر به صورت گسترده‌ای فضای منطقه را تحت تأثیر خود قرار داده است را باید ناشی از جریانات دینی و فکری سه قرن اخیر دانست که از زمان اندیشه‌های شاه ولی‌الله دهلوی (۱۷۶۲-۱۷۰۳ میلادی)، محمد قاسم نانوتوی در سال ۱۸۷۶، بنیانگذار مدرسه پرآوازه دیوبند و جمعیت علمای اسلام در ۱۹۱۹ میلادی دانست که در ترکیب با تحولات فکری پس از استقلال پاکستان و به قدرت رسیدن اندیشه سلفی و هابیت در عربستان سعودی، جریان فکری نیرومندی را در دهه‌های اخیر در جامعه پاکستان پدید آورد که هوادار سرسخت قرآن و سنت و سیره خلفا و صحابه و باورمند به نظرات علمای سلفند و مخالف اجتهاد و تجدد به شمار می‌روند. پیوند این تحول فکری با تحولات عینی چون مسئله کشمیر، اشغال افغانستان، حضور مهاجران افغانی در مناطق قبایلی پاکستان، محرومیت شدید مادی و معنوی این مهاجران و سیاست‌های ضیاء الحق و حمایت عربستان سعودی، موجب شکل‌گیری ده‌ها جریان بنیادگرای دینی در پاکستان به‌ویژه از دهه ۱۹۸۰ میلادی شد. گروه‌های تندرویی مانند لشکر طیبه، سپاه صحابه، جماعت الدعوه، لشکر جهنگوی و... از مهم‌ترین جریانات بنیادگرایانه دینی داخل پاکستان به شمار می‌رود. آنچه موجب تأثیرگذاری فعالیت این گروه‌ها بر مناسبات دو جانبه ایران و پاکستان شده است، جهت‌گیری‌های ضد ایرانی-شیعی برخی از این گروه‌ها به‌طور مشخص سپاه صحابه و شاخه نظامی آن لشکر جهنگوی- بر پایه برداشت سطحی و افراط‌گرایانه از آموزه‌های اهل سنت است. اگر سپاه صحابه پاکستان را نماد گروه‌های افراط‌گرای مذهبی در این کشور بدانیم، اهداف آن را در منشور

این سازمان چنین می‌خوانیم: «تلاش برای احیای نظام خلافت، تلاش برای حراست از شرافت صحابه، حداکثر اقدامات ممکن علیه فرقه تشیع، تلاش برای وحدت فرقه اهل سنت، فراهم آوردن چتر قانونی لازم برای خواسته‌های فرقه اهل سنت و انتقال آموزه‌های بزرگان دین به نسل جدید. هر مسلمانی که شیعه را کافر بپندارد می‌تواند عضو این سازمان شود، همه اهل سنت باید علیه دشمن مشترک یعنی شیعه متحد شوند». در جزوه منتشر شده از سوی این گروه که تحت عنوان «افشای چهره واقعی انقلاب اسلامی» است، در مورد جمهوری اسلامی ایران آمده است: انقلاب اسلامی ایران یک توطئه جهانی علیه اسلام است. انقلاب خمینی اولین تلاش عمده شیعیان برای گسترش شیعه‌گری در سراسر اروپا از طریق ترکیه - تا روسیه از طریق کشورهای مسلمان آسیای میانه و تا سریلانکا از طریق پاکستان بود. اهل سنت در ایران تحت آزار و شکنجه هستند. دانشجویان اهل سنت در دانشگاه‌های ایران مجبور به خواندن متون شیعی هستند. لذا دولت پاکستان باید این کشور را یک کشور سنی و شیعیان را غیرمسلمان اعلام کند.

به موازات اقدامات تبلیغی و دینی این جریانات در سطح مدارس دینی پاکستان علیه تشیع و حامی اصلی آن ایران، این جریانات نیز برای پیشبرد اهداف خود به مانند جریانات قومی، از اهرم تروریسم بهره می‌جویند. برآیند این امر انجام حملات تروریستی متعدد علیه شیعیان ایرانی و پاکستانی در طی دو دهه اخیر بوده است. به شهادت رسیدن صادق گنجی، سرپرست خانه فرهنگ ایران در لاهور، در سال ۱۹۹۰، به آتش کشیده شدن کتابخانه مرکز فرهنگی ایران در لاهور در ۱۹ ژانویه ۱۹۹۷ (۳۰ دی ۱۳۷۵) از طرف سپاه صحابه، حمله تروریست‌های مسلح وابسته به سپاه صحابه به خانه فرهنگ ایران و شهادت هفت تن از مسئولان این مرکز در شهر مولتان در ۳۰ فوریه ۱۹۹۷ (۲ اسفند ۱۳۷۵)، از جمله موارد مهم ترکیب افراط‌گرایی دینی با تروریسم است که تأثیر بسیار منفی بر مناسبات دو جانبه ایران و پاکستان برجای گذاشته است. این وقایع منجر به تعطیلی سه خانه فرهنگ به مدت چند سال در شهرهای راولپندی، حیدرآباد و مولتان و تقلیل فعالیت‌ها و یا کاهش میزان حضور دیپلمات‌های ایرانی در برخی از نمایندگی‌ها در پاکستان شده است. اما شکل‌گیری جریان طالبان را باید ترکیب هر دو عامل قومیت‌گرایی و افراط‌گرایی دینی دانست که برای پیشبرد اهداف مورد نظر خود در سطح وسیعی از ابزار تروریسم بهره جست است. باورهای قوم‌مدارانه طالبان بر پایه ارزش‌های قومی-قبیله‌ای قوم پشتون، خطر تجزیه‌طلبی را متوجه افغانستان و پاکستان و باورهای بنیادگرایانه آن‌ها مبتنی بر آموزه‌ای سلفی و وهابی نیز متوجه ایران شیعی ساخته است. تأثیر فعالیت‌های گروه طالبان بر مناسبات ایران و پاکستان را باید یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر مناسبات ایران و پاکستان در طی سه دهه اخیر دانست. فعالیت گروه طالبان از جهات مختلف تهدیدی علیه ایران بود. «طالبان از بعد دینی با نگاه وهابی‌گری و دشمنی آشکار با تفکر شیعه و نشان دادن نسخه‌ای انحرافی از اسلام و حکومت اسلامی، از بعد سیاسی و امنیتی ایجاد ناامنی و تهدید مرزهای شرقی ایران و تصفیه‌های قومی و نژادی - دینی در درون افغانستان و ایجاد موج مهاجرت آنان به کشورهای همسایه به ویژه ایران، ترور اتباع ایرانی در پاکستان و افغانستان، ترانزیت مواد مخدر، بی‌ثبات‌سازی منطقه و ایجاد زمینه حضور و افزایش دخالت قدرت‌های بزرگ، در تقابلی آشکار با منافع ملی و سیاست خارجی ایران قرار دارد».

با توجه به نقش اساسی پاکستان در شکل‌گیری و تقویت این جریان، هرگونه تحرک ضد ایرانی-شیعی طالبان، به طور طبیعی و مستقیم بر مناسبات ایران و پاکستان تأثیر می‌گذاشت. کشته شدن حدود ۲۰۰۰ تا ۵۰۰۰ شیعه توسط طالبان تنها در افغانستان، در مقطع به قدرت رسیدن این گروه به شهادت رسیدن ۸ دیپلمات ایرانی و یک خبرنگار در مزار

شریف به دست نیروهای طالبان در اوت ۱۹۹۸، افزایش بی‌ثباتی در افغانستان و خشتی شدن سیاست ایران در بازگشت مهاجران و نیز افزایش بی‌سابقه کشت و ترانزیت مواد مخدر از طریق مرزهای ایران، به شدت بر مناسبات تهران و اسلام آباد اثر منفی خود را بر جای گذاشت و علی‌رغم کوشش مقامات دو کشور در رفع سوءتفاهم‌های پیش آمده از جمله دیدار خاتمی و نواز شریف در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سپتامبر ۱۹۹۸، سایه سنگین بی‌اعتمادی بر مناسبات دو کشور حاکم شد. این مسائل علی‌رغم سقوط طالبان از قدرت در دسامبر ۲۰۰۱، همچنان پابرجا است. حضور گسترده و مؤثر طالبان پاکستان و افغانستان (ضمن توجه به برخی از تفاوت‌های موجود میان طالبان افغانستان و طالبان پاکستان)، در تحریکات ضد ایرانی-شیعی و ایجاد بی‌ثباتی و ناامنی همچنان تهدیدی جدی علیه امنیت و منافع ملی ایران به شمار می‌رود. در مجموع هرچند عوامل چالش‌زایی چون قومیت‌گرایی، افراط‌گرایی دینی و تروریسم موجب شکل‌گیری سطحی از مشارکت سیاسی و امنیتی بین دو کشور شده است، اما در این بین، پارادوکس و چالش مهم پیش روی پاکستان، حفظ این جریان‌ها به عنوان مهم‌ترین ابزار و کارت برنده اسلام آباد در مقابل افغانستان و هند از یک سو و حفظ روابط دوستانه با ایران از سوی دیگر است؛ پارادوکسی که هزینه‌های بسیار سنگینی را متوجه مناسبات دو جانبه ایران و پاکستان در طی سال‌های اخیر ساخته است.

در حقیقت رادیکالیسم اسلامی در پاکستان، منجر به ارباب‌گری و خشونت گسترده در قالب تروریسم علیه فرق و دیگر مذاهب شده است. طبیعی است که چنین محیطی دارای آثار زیانباری روی منطقه و همسایگان است. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یکی از واحدهای نظام بین‌المللی خواسته و یا نخواست‌ه تحت تأثیر پدیده تروریسم قرار داشته و تحولات و تغییرات صورت گرفته در این زمینه‌ها (چه در زمینه امنیت ملی و چه در زمینه تروریسم) بر امنیت ملی این کشور و مؤلفه‌های وابسته به آن نیز اثرگذاری متقابل دارند. از این رو تقویت روابط امنیتی در دو کشور حول محور مبارزه با تروریسم امری ضروری به نظر می‌رسد. لذا نگارندگان در این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی، مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی درصدد تحلیل الگوی روابط امنیتی ایران و پاکستان در مقابله با پدیده تروریسم از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷ هستند. یافته‌های تحقیق، ضمن تأیید فرضیه تحقیق که عبارت است از: روابط امنیتی ایران و پاکستان می‌تواند بر مقابله با پدیده تروریسم از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷ تأثیر داشته باشد، با استخراج رتبه‌بندی گویه‌های پرسشنامه حاکی از آن است الگوی روابط امنیتی ایران و پاکستان در مقابله با پدیده تروریسم بیش از هر چیز می‌بایست با توجه به مؤلفه‌های مافیای مواد مخدر، قرار گرفتن دو کشور در مجاورت افغانستان، وجود مرزهای طولانی مشترک، سرمایه‌گذاری و نفوذ عربستان در پاکستان، شکل‌گیری و فعالیت‌های گروهک‌های جنرال‌الله، انصار الله و جیش العدل در سیستان و بلوچستان، قرار گرفتن در کانون بحران خیز خاورمیانه، تحریکات گروه‌های تکفیری در نقاط کانونی بحران‌زا، تردهای غیرمجاز مرزی، اقدامات تروریستی گروه‌هایی مانند طالبان، لشکر جنگوی و سپاه صحابه در پاکستان و استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی بندرهای چابهار و گوادر شکل بگیرد؛ بنابراین الگوی روابط امنیتی ایران و پاکستان در مقابله با پدیده تروریسم از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷ بدین شکل است:



شکل ۲: الگوی روابط امنیتی ایران و پاکستان در مقابله با پدیده تروریسم از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷

Source: (Research findings)

References

- Ahmadi, A. Ranjbar dastani, K. (2016) Influential Paper on War and Crisis, with Special View, Proceedings of the Conference on Geopolitical Crises in the Islamic World, Tehran, November, 1-12
- Ahmadi, H. Beidollah khani, A. (2012) Pakistani Taliban: Causes, Origins, and Security Challenges, Journal of Politics - The Faculty of Law and Political Science, Number 1, Volume 42, Spring, 21-37
- Barnett, B, & Reynolds, A (2009), Terrorism and the Press: An Uneasy Relationship. New York: Peter Lang; Hoffman, Bruce (2006) Inside terrorism (2nd ed). Columbia University Press.
- Baybordi, E. (2015) Studying US Foreign Policy Against Terrorism: Goals and Consequences of the Kabul-Washington Security Treaty, International Relations Studies Quarterly, Volume 8, Number 30, Summer, 105-146
- Bozorgzadeh, M. Noori Saari, H. (2017) A Framework for Understanding Pakistan's Foreign Policy, Foreign Relations Quarterly, Volume 10 Issue 4, Winter 133-158
- Dehshiri, M. Moshki, M. (2017) Security Threats of Pakistani Extremist Groups Against Islamic Revolution, Islamic Revolution Studies Quarterly, Volume 14, Number 48, Spring, 153-174
- Ghafoori, M. Davand, M. (2015) Assessing and Analyzing the Threats of Extremist Islamism in Pakistan against the National Security of the Islamic Republic of Iran with Emphasis on the Role of the Islamic Revolution, Defense Policy Quarterly, Volume 23, Number 3, 41-71
- Ghasemi B. (2018) Comparison of Islamic Revolution and US Approach to Terrorism, Journal of Islamic Revolution, Eighth Year - No. 3, Fall, 1-22
- Ghorashi, Y. Sadeghi aval, Y. (2018) The Baloch Ethnic Solidarity Concept of Pakistan and Its Impacts on Baluch Ethnicity in Eastern Iran, Strategic Studies Quarterly, Seventh Year, No. 25, Library No. 55, 199-220
- Hafez nia, M. Kamiani rad, M. (2006) The Role of Ethnic Identity in National Solidarity (Case Study of Baluch Ethnicity) Research Journal of Isfahan University, Volume 20, Issue 1, 15-46
- Hejazi, N. Beidollah khani, A. (2017) The Takfiri Terrorism and Micro-Terrorism of East Iranian Security Systems: Sustainable Security Strategies for West Asia, Journal of Islamic World Political Studies Volume 6, Number 23, Fall, 139-167
- Imani, M. Barzegar, K. (2019) Structuralism and the Roots of Terrorism in Pakistan, Vol. 9, No. 33, Spring, 91-122
- Javadi arjmand, M. et al (2012) Geostrategic Analysis of Iran-Pakistan Relations with Emphasis on Security Factor, Subcontinent Studies, Fourth Year, No. 12, 51-76

- Kahraze, Y. et al (2017) Security Challenges of Iran-Pakistan Relations in Balochistan After 9/11, Sistan and Baluchestan University of Continental Studies Quarterly, Vol. 9, No. 23, Fall,143-170
- Kabraji,Rosheen, (2012) The China-Pakistan Alliance: Rhetoric and Limitations, Chatham House Asia Programme Paper, No. 1,
- Kamran,H. et al (2013) he Impact of the Islamic Revolution of Iran on Pakistani Shiites Based on Broadcasting Theory, Geography (Iranian Journal of Geography Association) New Age, Eleventh Year, Issue, 37 Summer, 71-95
- Liddellhart, B (1987). Strategy: the indirect approach (London, Faber).
- Mahkooei,H. Bavir, H. (2016) Shiite Geopolitics and Its Role in Iran-Pakistan Relations, Journal of Political Studies of the Islamic World, Volume 5, Issue 18, Summer,207-231
- Masood nia,H. et al (2017) Explaining Pakistan's Takfiri Threats to the National Security of the Islamic Republic of Iran in Two Extremely Soft, Strategic Policy Studies Issue 21, Summer,97-126
- Mohammadi, H. Ahmadi, E. (2017) Explaining the Geopolitical Model of Iran-Pakistan Relations, Human Geography Research, Volume 49, Number 2, Summer,307-323
- Mohammadi, H. Ahmadi, E. (2015)Divergence in Iranian-Pakistani Relations with Emphasis on Religious Extremism, Journal of Political Studies in the Islamic World, Volume 4, Number 2, Summer143-169
- Mohammadi, H. Ahmadi, E. (2015) A Two-Level Analysis of the Geopolitics of Divergence in Iranian-Pakistani Relations (Future Scenarios of these Relations and Presentation of Convergence Solutions), Strategic Policy Research Volume 5, Number 19, Winter,129-156
- Mojtahed zade, P. (2012) Geopolitical Philosophy and Function (Concepts and Theories in the Age of Virtual Space), Post Publications.
- . Morz, j E. (1980). Beyond Security. Nee York: International Peace Education
- Saaei,A. Masoomi,M. (2010) Terrorism Strategy, State Security and Personal Security, Encyclopedia of Political Science, No. 78, Fall 77-103
- Saaei,A. Masoomi,M. (2011) The Impact of Terrorism on the National Security of the Islamic Republic of Iran, Journal of Politics, Journal of the Faculty of Law and Political Science, Volume 41, Number 2, Summer 161-177
- Sadri ali babaloo, S. Moein abadi bidgoli, H. Mirzaei,J. (2014) Investigating the Security Threats of the Islamic Republic of Iran from Pakistan, Defense Policy Quarterly, Volume 23, Number 1, Winter 9-38
- Shafiei, N. Mahmoodi, Z. (2012) Investigating the Reasons for Pakistan's Importance in the War on Terror, 78 / Central Asia and Caucasus Journal, No. 78, Summer,77-107
- Simbar,R. et al (2016) An Analysis of the Nature of Iran-Pakistan Relations (1985-2018), Journal of Political Studies in the Islamic World, Volume 5, Number 4, Winter 67-98
- Salesi,Z. (2010) Internal Factors Influencing Pakistan Taliban Formation, MSc Thesis, Isfahan University
- Soleimani, A. Khaledian, S (2012) Investigating US-Pakistan Relations After 9/11 and Its Impact on Pakistani Taliban Activities, Afaq Security Magazine, No. 16, Fall,157-186
- Yaghoori,H. Noori, E. (2013) Measuring the Effects of Regularity and Security Indicators on Economic, Social, Cultural and Psychological Dimensions with an Emphasis on Citizens' Viewpoints: A Case Study, Birjand, South Khorasan Law Journal, No. 4, Spring,85-109
- Yavari bafghi, A. et al (2010) Determining the Impact of Drug Trafficking on the National Security of the Islamic Republic of Iran; Law Management Studies Journal, Vol. 5, No. 4,585-607
- Yazdan panah, K. Jafari, M. (2018) Geopolitical Analysis of the Impact of the Internet on Increasing Terrorism Activity, Strategic Studies Quarterly, Year 7, Issue 62, Autumn,221-244
- www.tabnaksistanbaluchestan.ir
- www.tasnimnews.com
- www.foreignpolicy.com